



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

The Role of Judicial Procedure in the Development of Medical Law in Iran's Legal System

Sadegh Tariverdi^{1*}, Mahmoud Abbasi²

1. Judicial Member of the Medical Disciplinary Board & Researcher of Medical Ethics and Law Research Center of Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

2. Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Today, according to modern medical developments and its rapid growth, the law as the most important source of law in Iran's medical law system alone is not able to quickly comply with the aforementioned developments, and the medical law system in today's environment due to the lack of Compiling comprehensive and complete laws and regulations requires the intervention of other factors to create this coordination. Among the legal sources, judicial procedure can play this role well. Therefore, the present article aims to examine the importance and necessity of using judicial procedure in the medical law system and make suggestions to strengthen the position of judicial procedure in the development of medical law.

Method: This research is theoretical and the research method is descriptive-analytical. The method of collecting information has been done in a library and by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In all stages of writing the present research, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: The results of the present study indicate that, although in Iran's medical law system, the use of judicial procedure is often considered as a secondary and interpretive source of the law, but the role of courts in the expression and production of judicial procedure containing general principles and fundamental concepts of law. Medicine is very important and vital.

Conclusion: The results of the investigation indicate that the judicial procedure of the courts can be a rule-making source by consolidating and elevating the concepts and principles of medical law, as well as a complementary tool to the law and a guide to the legislator in approving progressive medical laws and regulations and development of medical rights.

Keywords: Iranian Legal System; Legal Rules; Judicial Courts; Judicial Procedure; Medical Law

Corresponding Author: Sadegh Tariverdi; **Email:** tariverdi2011@gmail.com

Received: December 17, 2023; **Accepted:** February 26, 2024; **Published Online:** February 17, 2025

Please cite this article as:

Tariverdi S, Abbasi M. The Role of Judicial Procedure in the Development of Medical Law in Iran's Legal System. Medical Law Journal. 2024; 18: e43.



نقش رویه قضایی در توسعه حقوق پزشکی در نظام حقوقی ایران

صادق تاریردی^{۱*}، محمود عباسی^۲

۱. عضو قضایی هیأت انتظامی پزشکی و پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
۲. مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: امروزه با توجه به پیشرفت‌های نوین پزشکی و رشد سریع آن، قانون به عنوان مهم‌ترین منبع حقوق در نظام حقوق پزشکی ایران به تنهایی قادر به مطابقت سریع خود با تحولات مذکور نبوده و نظام حقوق پزشکی در فضای امروزی با توجه به عدم تدوین قوانین و مقررات جامع و کامل، نیازمند مداخله عوامل دیگری برای ایجاد این هماهنگی می‌باشد. از میان منابع حقوقی، رویه قضایی می‌تواند این نقش را به خوبی ایفا نماید. از همین روی مقاله حاضر بر آن است تا ضمن بررسی اهمیت و ضرورت استفاده از رویه قضایی در نظام حقوق پزشکی پیشنهاداتی به منظور تقویت جایگاه رویه قضایی در توسعه حقوق پزشکی ارائه دهد.

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: نتایج بررسی پژوهش حاضر حکایت از آن دارد که هرچند در نظام حقوق پزشکی ایران استفاده از رویه قضایی غالباً به عنوان منبع فرعی و تفسیری قانون مورد توجه بوده، لکن نقش محاکم، در بیان و تولید رویه قضایی حاوی اصول کلی و مفاهیم بنیادی حقوق پزشکی، بسیار مهم و حیاتی می‌باشد.

نتیجه‌گیری: نتایج بررسی حکایت از آن دارد که رویه قضایی محاکم می‌تواند به عنوان یک منبع قاعده‌ساز با تحکیم و اعتلای مفاهیم و اصول حقوق پزشکی و نیز به عنوان ابزار مکمل قانون و راهنمای مقنن در تصویب قوانین و مقررات پزشکی مرقی، نقش اساسی در پرورش و توسعه حقوق پزشکی ایفا نماید.

واژگان کلیدی: نظام حقوقی ایران؛ قواعد حقوقی؛ محاکم قضایی؛ رویه قضایی؛ حقوق پزشکی

نویسنده مسئول: صادق تاریردی؛ پست الکترونیک: tariverdi2011@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۲۹

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Tariverdi S, Abbasi M. The Role of Judicial Procedure in the Development of Medical Law in Iran's Legal System. Medical Law Journal. 2024; 18: e43.

مقدمه

علم پزشکی طی سال‌های اخیر شاهد نوآوری‌ها، ابداعات و ابتکارات بی‌شماری بوده و ادامه این حرکت پویا، سازنده و نیز حفظ حریم و پاسداری از قداست این علم، قواعدی نو را می‌طلبد. در کنار پیشرفت علم پزشکی، حقوق نیز به عنوان حافظ کرامت انسانی تأثیر به سزایی در سلامت جامعه و دستیابی به نتیجه مطلوب داشته است. حقوق در این میان تنها زمانی می‌تواند به رسالت خود که تنظیم روابط اجتماعی است، نائل آید که خود را با تحولات مذکور هماهنگ نماید. از طرفی واقعیت موجود این است که قواعد موضوعه تنها منعکس‌کننده قسمتی از واقعیت‌های نظام حقوق پزشکی بوده و مقنن قادر به پیش‌بینی تمام مسائل و موضوعات مرتبط با آن و در نتیجه قواعد حاکم بر آن‌ها نمی‌باشد. به عبارتی قانون به تنهایی قادر به مطابقت سریع خود با تحولات پزشکی نبوده و نظام حقوق پزشکی نیازمند مداخله عوامل دیگری برای ایجاد این هماهنگی می‌باشد.

از میان منابع حقوقی، رویه قضایی به عنوان عامل مهم تکمیل قوانین و تحول حقوق به جهت ارتباط مستقیم آن با واقعیت‌های جامعه و سهولت ارتباطش به واسطه محاکم با تحولات اجتماعی می‌تواند این نقش را به خوبی ایفا نماید (۱)، به طوری که رویه قضایی می‌تواند با تصمیمات مکرر قضایی خود و الزام معنوی و قانونی برای محاکم قضایی در تکمیل قوانین و ایجاد قواعد حقوقی نوین، نقش مؤثری را ایفا نماید. از طرفی نیاز حقوق پزشکی به رویه قضایی به جهت جوان و نوپا بودن و اینکه به مانند سایر قوانین مدون نمی‌باشد، از سایر حوزه‌های حقوق بیشتر احساس می‌گردد، لذا رویه قضایی عامل مهمی در تحقق نظم حقوق پزشکی است و با فقدان قوانین در حوزه حقوق پزشکی که از هر حیث جامع و کامل باشند، بهتر است از تصمیمات مشابه گذشته برای نیل به عدالت و امنیت قضایی برای پرکردن خلأهای قانونی استفاده گردد.

فرضیه ما در این پژوهش بر اساس پاسخ به سه پرسش اساسی ذیل شکل می‌گیرد: نخست اینکه ضرورت استفاده از رویه

قضایی در کنار قانون به عنوان مهم‌ترین منبع قواعد حقوقی در نظام حقوق پزشکی چه می‌باشد و چگونه می‌تواند در توسعه حقوق پزشکی نقش‌آفرینی نماید؟ سازوکارهای لازم برای تقویت جایگاه رویه قضایی در توسعه حقوق پزشکی چیست و با چه چالش‌هایی رو به رو می‌باشد؟

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

روش

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها

نتایج بررسی پژوهش حاضر حکایت از آن دارد که هرچند رویه قضایی به عنوان منبع فرعی و تفسیری مورد توجه بوده، لیکن می‌تواند در کنار قوانین و مقررات پزشکی موجود نقش مهم و مؤثری در پرورش و توسعه حقوق پزشکی ایفا نماید.

بحث

۱. اهمیت و اعتبار رویه قضایی در نظام حقوق پزشکی: اهمیت رویه قضایی تا به آن درجه است که بنیاد حقوقی بعضی از کشورها بر پایه آن استوار می‌باشد، حتی آن دسته از کشورهایی که قانون را یگانه منبع حقوق می‌دانند، باز هم نقطه تبلور حقوق را در رویه‌های قضایی جستجو می‌کنند، لیکن اعتبار رویه قضایی در نظام‌های حقوقی مختلف یکسان نیست و جایگاهی که برای رویه قضایی در میان منابع حقوقی قائل شده‌اند موجب افتراق نظام‌های مختلف حقوقی از یکدیگر شده است.

در نظام حقوق پزشکی ایران به عنوان بخشی از نظام حقوقی کشور، استفاده از رویه قضایی غالباً به عنوان منبع فرعی و تفسیری قانون مورد توجه بوده و به طور کلی در تحول نظام حقوق پزشکی نقش جدی نداشته است. این نقص به ویژه در حوزه حقوق پزشکی که نوپا و جدید است و از کمبود منابع تقنینی رنج می‌برد بیشتر حائز اهمیت می‌باشد.

امروزه اهمیت رویه قضایی در نظام حقوقی بدین جهت است که برخلاف گذشته که قوانین موضوعه یکه‌تاز نظام حقوقی هر کشور به شمار می‌رفت، رویه قضایی به عنوان رقیب در کنار قانون مهم‌ترین منابع هر کشور را تشکیل می‌دهد. هرچند قوانین موضوعه به ویژه با رویکرد پوزیتیویستی از جایگاه بالایی ارزشی در سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی برخوردار می‌باشند، اما واضح است که وظیفه سنگینی همراهی با تحولات را نمی‌توان در درجه اول از قانون و قانونگذار انتظار داشت و نظام‌های حقوقی هم کم و بیش پذیرفته‌اند که قانون تنها منبع حقوق نیست و رویه قضایی را نیز باید بر آن افزود.

بنابراین رویه قضایی در نظام حقوقی ایران شاید هیچ‌گاه شبیه قانون لازم‌الاتباع نشود، اما نمی‌توان انکار کرد که گاه رأی دادگاه دارای قدرتی معنوی است که دادگاه دیگر برای انحراف از آن، خود را نیازمند توجیه جدی می‌یابد (۲). آنچه موقعیت رویه قضایی به عنوان منبع حقوق را تضعیف می‌کند، وابستگی آن به قانون است.

از طرفی تأکید بیش از حد بر قانون در تنظیم روابط اجتماعی و نادیده گرفتن نقش قاعده‌گذاری قضایی علاوه بر اینکه موجب قانون‌زدگی، تورم تقنینی، ناکارایی و افت کیفی قوانین شده، موجب تکیدگی کل نظام حقوقی ایران شده است. همانطور که برخی اظهار کرده‌اند که «اتکای شدید به قانونگذاری و قوانین موضوعه در کشورهای دارای نظام‌های مدون به تورم تقنینی دامن زد که در نهایت ناکارآمدی کل نظام حقوقی را در پی داشت» (۳)، هرچند در خلال چند دهه گذشته، نظام‌های حقوقی جهان از حیث منابع حقوق به سمت نوعی همگرایی و میانه‌روی تمایل پیدا کرده‌اند و کم و بیش در کنار یکدیگر نوعی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را پیشه کرده‌اند (۴).

امروزه در نظام حقوقی ایران نقش محاکم در بیان و تولید رویه قضایی حاوی اصول کلی حقوقی بسیار مهم و حیاتی بوده است، خصوصاً اینکه استفاده از رویه قضایی در دادرسی‌های پزشکی خواهد توانست خلأ ناشی از فقدان منابع قاعده‌ساز را پر کند، زیرا «قانون موضوعه تنها منبع حقوق نیست، بلکه دادگاه‌ها نیز نقش مؤثری در خلق قواعد حقوقی دارند» (۵). رویه قضایی مهم‌ترین منبع مولد اصول حقوقی به حساب می‌آید، زیرا قاعداً اصول حقوقی ساخته و پرداخته دست قضات هستند، این مسأله حکایت از آن دارد که اصول کلی حقوقی ماهیت به شدت قضایی دارد و این اصول در طی سالیان متمادی و از خلال آرای قضایی مورد شناسایی قرار گرفته و توسعه یافته‌اند. رویه قضایی در نظام حقوقی نوشته گاه منبع ایجاد اصول کلی حقوقی است، همچنانکه در فرانسه نیز این واقعیت در آرای شورای دولتی ظهور یافته است، حتی در فرض عدم پذیرش چنین قدرتی برای رویه قضایی، کمترین از آن، تحکیم اصول کلی حقوقی است (۶).

از طرفی در فضای امروزه حقوق پزشکی به عنوان بخشی از نظام حقوقی کشور و با توجه به عدم تدوین قوانین و مقررات جامع و کامل در این حوزه، بهره‌برداری از رویه قضایی به عنوان منبعی قاعده‌ساز، از اهمیتی دوچندان برخوردار است، از جمله مهم‌ترین کارکردهای رویه قضایی حاصل از دادرسی پزشکی می‌توان به تحکیم اصول و اعتلای مفاهیم حقوق پزشکی، تحول و توسعه حقوق پزشکی از طریق دفاع از حقوق دریافت‌کنندگان خدمات پزشکی و سلامت، ابزار مکمل حقوق و کمک به تفسیر قوانین و مقررات پزشکی توسط قضات و ابزاری جهت ارزیابی حقوق موضوعه در حوزه حقوق پزشکی اشاره نمود، هرچند رویه قضایی در نظام حقوق ایران اغلب به عنوان منبع فرعی و تفسیری مورد توجه بوده، لیکن می‌تواند به جهت کارکردهای گفته‌شده در کنار قوانین و مقررات پزشکی موجود نقش مهم و مؤثری در پرورش و توسعه حقوق پزشکی ایفا نماید.

۲. مفهوم توسعه حقوق پزشکی و مؤلفه‌های مؤثر آن:

توسعه یکی از مفاهیم مهم و مطرح در عصر حاضر است. تا

رویه ساده بوده است (۷). به عنوان مثال نیاز نظام حقوقی پیوند اعضا به رویه قضایی از سایر حوزه‌های حقوق پزشکی و سلامت بیشتر احساس می‌شود، زیرا این حوزه از حقوق فاقد سابقه فقهی و حقوقی مشخص در نظام حقوقی بوده و جوان و نوپا می‌باشد (۸).

۲-۲. مؤلفه ارزشی توسعه حقوق پزشکی: اما مقصود از مؤلفه‌های ارزشی، همان تقویت اصول حقوقی پزشکی است. ارزش‌های حقوق پزشکی مجموعه‌ای از اصول حقوقی مشتمل بر مفاهیم کلی، دائمی و انتزاعی هستند که نماینده ارزش‌های حاکم بر نظام حقوقی قلمداد شده و جایگاه نظام حقوق پزشکی را در جامعه مشخص می‌کند، چراکه اصول حقوقی مفاهیمی ارزشی بوده و با خود ارزش و بایدهای اخلاقی به همراه دارند، زیرا خاستگاه اصول حقوق پزشکی، ارزش‌های پذیرفته‌شده جامعه است و هدف نهایی این اصول، تعالی نظام حقوقی به سمت و سوی عدالت اداری است. از طرفی اصول حقوقی پایه‌های ساختارهای حقوق پزشکی را تشکیل می‌دهد. وجود آن‌ها موجب ارتقا و توسعه نظام حقوق پزشکی و فقدان آن‌ها موجب آشفتگی و بی‌نظمی حقوقی است (۷).

از طرفی قضات در زمان کاستی قانون، به اصل یا همان هسته بنیادین قواعد حقوقی رجوع می‌کنند که مستلزم تعمق بسیار در این قواعد و درک ارتباط منطقی میان آن‌هاست. استناد قضات به یک اصل در رویه قضایی، حسب مورد می‌تواند آن را به صورت یک هنجار حقوقی الزام‌آور در نظام حقوقی مبدل سازد. بنابراین در تقویت بعد ارزشی توسعه حقوق پزشکی برای اعتلای مفاهیم و تحکیم اصول حقوق پزشکی، جذب قضات آشنا با حقوق پزشکی ضرورت دارد. به نظر می‌رسد اصول حقوق پزشکی مکمل حقوق پزشکی از طریق رفع کاستی‌های نظام حقوق پزشکی است (۹).

با توجه به مقدمات پیش‌گفته در مجموع می‌توان گفت منظور از توسعه حقوق پزشکی در این پژوهش، بسط مؤلفه‌های ماهوی و ارزشی به ترتیب از حیث تقویت رویه قضایی و تحکیم اصول حقوق پزشکی می‌باشد که در ادامه نقش رویه

چند دهه پیش توسعه، در توسعه اقتصادی خلاصه می‌شد، اما با گسترش روابط حاکمیت و مردم و پیچیده‌تر شدن این روابط و ظهور مفاهیمی نو در عرصه نظام حقوقی صاحب‌نظران به این نتیجه رسیدند صرف توجه به شاخصه‌های اقتصادی نمی‌تواند برای دستیابی به توسعه کافی باشد و نیازمند توجه به سایر جنبه‌های توسعه من جمله توسعه حقوقی می‌باشد. به همین دلیل امروزه توسعه مفهومی چندبعدی و فرایندی پیچیده تلقی می‌شود (۷)، اما در این پژوهش منظور از توسعه حقوق پزشکی چیست؟ مؤلفه‌ها و پیامدهای این توسعه کدام است؟ و اینکه کدام یک از این مؤلفه‌ها در پژوهش حاضر مد نظر می‌باشد؟

امروزه توسعه نظام حقوقی من جمله حقوق پزشکی از اقتضائات حقوق مدرن و از لوازم دستیابی به حد مطلوب توسعه نظام حقوقی به حساب می‌آید. در توسعه حقوق پزشکی سه عنصر ساختاری، ماهوی و ارزشی نقش‌آفرینی می‌نمایند که توسعه نظام حقوق پزشکی از ارتباط سه عنصر یادشده با یکدیگر حاصل می‌شود (۷). منظور از توسعه حقوق پزشکی در این پژوهش جهت جلوگیری از اطاله کلام، بسط مؤلفه‌های ماهوی از حیث تقویت رویه قضایی و توسعه بعد ارزشی حقوق پزشکی از جهت تحکیم اصول حقوق پزشکی می‌باشد که در ذیل مفهوم گفته‌شده مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

۲-۱. مؤلفه ماهوی توسعه حقوق پزشکی: منظور از مؤلفه ماهوی توسعه حقوق پزشکی، توسعه و بسط مواد اصلی تشکیل‌دهنده حقوق پزشکی مثل قوانین، آیین‌نامه‌ها و رویه قضایی می‌باشد. از جنبه ماهوی، توسعه حقوق پزشکی عملی است که قواعد جدید را بر مبنای حقوق موجود تأیید می‌کند و یا تخصیص می‌دهد. اصطلاح «توسعه حقوق پزشکی» به معنی تهیه و آماده‌سازی لایحه یا طرح‌هایی در زمینه موضوعاتی است که هنوز در حقوق پزشکی قاعده‌مند نشده‌اند و یا در آن موارد حقوق پزشکی هنوز به حد کافی در رویه توسعه نیافته است و اصطلاح تدوین نیز به معنی قاعده‌مند کردن صحیح و منظم قواعد عرفی در زمینه‌هایی است که قبلاً یک

قضایی در گسترش آن‌ها مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۳. نقش رویه قضایی محاکم قضایی در توسعه حقوق پزشکی: در نظام قضایی کنونی دادگاه‌های بدوی به محاکم عمومی جزایی و عمومی حقوقی و دادگاه‌های انقلاب تقسیم که حدود صلاحیت هر کدام در قانون مشخص و معین گردیده است. این دادگاه‌ها بنا به اقتضا و فراخور موضوعی که مورد دادرسی در آن محاکم قرار می‌گیرد، می‌توانند هر یک با تولید رویه قضایی در توسعه حقوق پزشکی نقش‌آفرینی نمایند. تاریخ قضایی نشان داده است که محصول اندیشه معماران قضایی که در قالب رأی تجلی می‌یابد، در ایجاد و تکمیل نظم حقوقی مؤثر بوده است. یک رأی قضایی زمانی به تنهایی و بی‌نیاز از عنصر تکرار می‌تواند بر اشخاص و محاکم ایجاد الزام کند و مانند قانون بر آن‌ها تحمیل شود و به طور مستقل و بی‌واسطه مبدل به یک قاعده حقوقی و منبع فیاضی در برابر قانون گردد که از کیفیت استنباط و ارزش علمی بالایی برخوردار باشد. مبنای اولیه و رکن اصلی رویه قضایی به معنای عام رأی صادره از محاکم می‌باشد که در مقام حل و فصل اختلافات و در قالب رأی قضایی به منصف ظهور می‌رسد که در صورت برخورداری از استدلال قوی و متقن می‌تواند به عنوان رویه و یک راه حل مورد استفاده سایر محاکم قرار گیرد.

به عنوان مثال در نظام حقوقی فرانسه، رویه قضایی به عنوان پیشگام دکترین حقوقی، از ابزارهای حقوقی گوناگونی برای توسعه مفهوم تقصیر پزشکی و تسهیل در اثبات آن استفاده نموده است و مفهوم و قلمرو وسیعی از تقصیر پزشکی ارائه داده، امری که باید مورد توجه دادگاه‌های ما نیز قرار گیرد (۱۰). در فرانسه از زمان صدور رأی مشهور مرسیه در دادگاه لیوان در سال ۱۹۳۶ تعهد مراقبت ناشی از قرارداد پزشکی تعهد به وسیله شناخته شد که متمایز از تعهد به نتیجه است و پزشک متعهد می‌شود تمام اقدامات ممکن را برای معالجه بیمار خود انجام دهد و در این صورت مسئولیت وی متفاوت خواهد بود (۱۱). در رویه قضایی انگلیس دادگاه‌ها بنا به مصالح اجتماعی، گاه اشخاص را بدون توجه به اینکه قصوری

مرتکب شده باشند یا خیر، مسئول خسارات ناشی از اعمالشان می‌شناسند (۱۲).

۳-۱. نقش رویه قضایی محاکم بدوی در توسعه حقوق پزشکی: در نظام قضایی کنونی دادگاه‌های بدوی به محاکم عمومی جزایی و عمومی حقوقی و دادگاه‌های انقلاب تقسیم که حدود صلاحیت هر کدام در قانون مشخص و معین گردیده است. این دادگاه‌ها بنا به اقتضا و فراخور موضوعی که مورد دادرسی در آن محاکم قرار می‌گیرد، می‌توانند هر یک با تولید رویه قضایی در توسعه حقوق پزشکی نقش‌آفرینی نمایند که در صورت برخورداری از استدلال قوی و متقن می‌تواند به عنوان رویه و یک راه حل مورد استفاده سایر محاکم قرار گیرد.

تجربه نشان داده است بعضاً آرای صادره از محاکم بدوی و حتی مرجع تحقیق (دادسرا) در خصوص موضوعات پزشکی آنچنان متقن و مستحکم می‌باشد که خود به تنهایی و بدون نیاز به استدلال خاصی می‌تواند مورد تقلید و استفاده سایر محاکم در موضوعات مشابه قرار گرفته و گاه موجب دگرگونی رویه قضایی گردد. در تأیید این موضوع دکتر حسن جعفری‌تبار در کتاب نقدی بر رویه قضایی در این ارتباط عنوان داشته: «بی‌گمان تکرار رأیی واحد از سوی دیگر محاکم به قوت آن می‌افزاید، اما راز توان رویه قضایی در تکرار آن نیست. گاه ممکن است رأیی آنچنان فره‌مند باشد که به شکلی مقتدرانه بر رأی دیگر دادرسان اثر گذارد. در اینجا انبوهی آرا وجود ندارد، بلکه فقط پای رأیی نیرومند در میان است که بیشتر به علتی جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، اقتصادی یا سیاسی و گاه به علتی حقوقی برجستگی یافته است. از نخستین آرای که در حیطه حقوق پزشکی از محاکم ایران صادر گردید، می‌توان به پرونده بیماران هموفیلی در شعبه ۱۰۶۰ محاکم عمومی تهران اشاره نمود که این رأی آنقدر تأثیرگذار بود که سایر دادگاه‌ها به محض طرح دعوایی جدید از سوی یکی از زبان‌دیدگان، بی‌ملاحظه موضوع و حکم، درست همچون دادگاه اول حکم بر محکومیت وزارت بهداشت صادر می‌کردند. این فره‌مندی خود ممکن است محصول دو چیز باشد: ۱- اهمیت اجتماعی و

سیاسی و روان‌شناختی حادثه پرونده (همچون پرونده بیماران هموفیلی)؛ ۲- یا محصول برجستگی قاضی پرونده که نزد جامعه دادرسان به علم و فضل، شهره است، همچون دکتر کاتوزیان در دوران دوازده‌ساله قضاوتش و به ویژه در دوره ریاستش بر شعبه بیست و هفتم دادگاه تجدید نظر تهران» (۲). به عنوان مثال شعبه ۸۶ حقوقی تهران در تاریخ ۱۳۹۱/۰۷/۲۹ به شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۰۹۱۲ که به موجب دادنامه شعبه ۱۵ دادگاه تجدید نظر استان تهران ابرام گردیده، به استناد اصل لزوم جبران خسارت و قاعده تسبیب و لاضرر و همچنین اصل عدم وجاهت قانونی داراشدن غیر عادلانه حکم بر استرداد دستمزد از ناحیه پزشک مقصر صادر نموده است که این رویه می‌تواند مورد توجه و تبعیت سایر محاکم قرار گیرد.

بنابراین شعب بدوی محاکم قضایی می‌توانند با تفسیر پویا و بهره‌گیری از اصول و مفاهیم حقوق پزشکی و شناسایی آن از این طریق و ترویج آن از طریق رویه قضایی موجب تحولی مطلوب در توسعه حقوق پزشکی گردند.

۲-۳. رویه قضایی مؤثر محاکم عالی (تجدید نظر، دیوان عالی و عدالت اداری) در توسعه حقوق پزشکی

۳-۲-۱. محاکم تجدید نظر: در نظام حقوقی ایران محاکم عالی علی‌القاعده به محاکم تجدید نظر و دیوان عالی کشور اطلاق می‌گردد. بر همین اساس قانونگذار در نظام حقوقی حق بر تجدید نظرخواهی از آرای محاکم بدوی را به رسمیت شناخته که این محاکم با نظارت بر حسن اجرای قوانین من‌جمله قوانین مرتبط با حقوق پزشکی می‌توانند ضمن مراقبت از خطاها و اشتباهات دادگاه‌های بدوی و ارائه راه حلی مغایر با آنچه شعب بدوی صادر نموده از اساس نقض و تفسیر متفاوتی از قانون مورد استناد ارائه نماید و یا ممکن است با تأیید حکم شعبه بدوی نقش مؤثری در بهبود کیفیت آرای بدوی و ارتقای رویه قضایی و نهایتاً توسعه حقوق پزشکی گردند. از جمله آرای صادره از دادگاه تجدید نظر مؤثر در توسعه حقوق پزشکی می‌توان به دادنامه ۹۵۰۹۹۷۰۲۲۰۴۰۱۳۲۷ - ۱۳۹۵/۱۰/۱۸ صادره از شعبه ۴ دادگاه تجدید نظر استان

تهران اشاره نمود که ضمن نقض دادنامه صادره از دادگاه بدوی مبنی بر قرار عدم استماع دعوا اعلام داشته: در صورتی که شخصی بر اثر مسامحه پزشک در امر درمان دچار آسیب جسمی و روحی شده و رابطه سببیت محرز باشد، علاوه بر دیه، بر اساس قواعد تسبیب، لاضرر، نفی حرج و انصاف، خسارات مازاد بر دیه اعم از مادی و معنوی از سوی پزشک مقصر قابل مطالبه است.

۳-۲-۲. دیوان عالی کشور: دیوان عالی کشور به عنوان یکی از نهادهای اساسی، عالی‌ترین محکمه در سلسله‌مراتب محاکم قضایی ایران محسوب و در همه نظام حقوقی ضروری به نظر می‌رسد، زیرا یکی از ویژگی‌های قانون عمومیت و کلی‌بودن آن می‌باشد و قابلیت تفسیر از ویژگی‌های ذاتی قانون می‌باشد، لذا ارائه تفاسیر از قانون در محاکم قضایی امری اجتناب‌پذیر می‌باشد که این امر سبب خلل به حقوق افراد می‌گردد. بنابراین دیوان می‌تواند از باب نظارت بر حسن اجرای قانون بر عملکرد قضایی محاکم تالی در مقام فرجام‌خواهی از آرای صادره با محوریت حقوق پزشکی نقش مهمی در این خصوص ایفا نماید.

از طرفی با توجه به جایگاه بالاتر دیوان عالی کشور نسبت به سایر مراجع قضایی از جمله دیوان عدالت اداری و جایگاه اساسی آن در مقام تعارض، یعنی در فرض صدور آرای وحدت رویه متعارض از دیوان عالی و عدالت اداری و نیز عدم صلاحیت مراجع قضایی به مراجع اداری، این اختلاف جهت رفع آن به دیوان عالی کشور، ارجاع و حل اختلاف انجام خواهد پذیرفت.

از نگاه پژوهنده، مبنای این جایگاه عالی دیوان عالی کشور را باید از یکسو، در صلاحیت حل اختلاف در صلاحیت، صلاحیت نظارت بر اجرای صحیح قوانین در دعاوی و اختلافات، حق ایجاد وحدت رویه قضایی یا یکنواخت‌سازی حقوقی، توانایی تشخیص حکم موافق قانون و شرع و آزادی دادرسان در تفسیر دانست و از سوی دیگر، نیازهای عملی و اجرایی کشور در قابلیت پیش‌بینی حقوقی، نظارت‌پذیری، برابری همگان در مقابل قانون، دسترسی به عدالت و استقلال قضایی را باید

مبنای این ساماندهی تا اندازه زیادی هماهنگ تلقی کرد (۱۳).

بنابراین دیوان عالی کشور در مقام حل اختلاف در صلاحیت میان مراجع قضایی و اداری می‌تواند با توسعه و تضییق صلاحیت دیوان عدالت اداری در نظارت قضایی گستره نظارت دیوان عدالت اداری را در خصوص اختلافات مربوط به حوزه پزشکی گسترش یا کاهش داده و نقش مهمی را در توسعه صلاحیت‌های دیوان و نتیجتاً حقوق پزشکی ایفا نماید. همچنین آرای وحدت رویه صادره از هیأت عمومی دیوان عالی کشور در قیاس با آرای وحدت رویه دیوان عدالت اداری به جهت منشأ و جایگاه آن در مقام تقابل از جایگاه والائتری برخوردار بوده و می‌تواند این آرا در توسعه کمی و کیفی ظرفیت‌های رسیدگی محاکم مؤثر و کارآمد واقع گردد. از آرای قابل توجه در این خصوص می‌توان به رأی وحدت رویه شماره ۷۹۷ - ۱۳۹۹/۰۷/۰۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور اشاره نمود که به موجب آن مطابق تبصره الحاقی (۱۳۸۴/۰۷/۱۳) به ماده ۴۰ قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ «آرای قطعی هیأت‌های بدوی، تجدید نظر و هیأت عالی انتظامی نظام پزشکی، ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، قابل تجدید نظر در دادگاه تجدید نظر استان می‌باشد» و اصطلاح «قابل تجدید نظر» علی‌القاعده در معنای رایج و شناخته‌شده آن به کار رفته است و با توجه به ملاک بندهای «ب» و «پ» ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، چنانچه دادگاه تجدید نظر استان رأی ماهوی موضوع تبصره صدرالذکر را مخالف قانون تشخیص دهد، آن را نقض و رأی مقتضی صادر می‌کند و در این حالت ارجاع به هیأت انتظامی هم‌عرض منتفی می‌باشد، اشاره نمود.

۳-۲-۳. دیوان عدالت اداری: دیوان عدالت اداری یک مرجع قضایی که به اختلافات اداری رسیدگی می‌کند. با توجه به اینکه عمده فعالیت دیوان در رسیدگی به شکایت اشخاص حقیقی از مؤسسات و مراکز برخوردار از قدرت حاکمیتی

می‌باشد و بخش اعظمی از خدمات عمومی با موضوعات پزشکی، بهداشت و سلامت از طریق این مؤسسات به مردم واگذار می‌شود و در ارائه این خدمات اختلافاتی متصور می‌باشد، لذا یقیناً آرای صادره از شعب دیوان منبع غنی حقوق پزشکی به حساب خواهد آمد.

دیوان عدالت اداری به عنوان عالی‌ترین دادگاه اداری می‌تواند از طریق رویه قضایی، نقش مهم و مؤثری در اعتلا و پرورش حقوقی پزشکی ایفا نماید، خصوصاً اینکه حقوق اداری در کشور ما به عنوان شاخه‌ای از حقوق، نوپا و جوان می‌باشد و دارای قواعد پراکنده بوده و تاکنون به دلیل تنوع فعالیت‌های اجتماعی و کثرت سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات سلامت که دائماً در حال تغییر و تحول می‌باشد، امکان تدوین قانون جامع پزشکی ممکن نبوده است. بنابراین رویه قضایی می‌تواند به عنوان منبع پویا در نظام حقوق پزشکی نقش‌آفرینی نماید، به طوری که دیوان عدالت اداری از طریق تولید رویه قضایی در دو سطح شعب و هیأت عمومی می‌تواند نقش مهمی را در توسعه حقوق پزشکی ایفا نماید، هرچند رویه شعب به جهت حجم گسترده دعاوی مطرح در دیوان، عدم آشنایی قضات به مفاهیم حقوق عمومی و عدم انتشار منظم مهم‌ترین آرای شعب دیوان تا جایگاه مطلوب و مورد انتظار فاصله دارد، لیکن هرگز نباید از تأثیر رویه قضایی شعب حوزه حقوق اداری غافل شد، زیرا شعب دیوان با تفسیر پویا و بهره‌گیری از اصول و مفاهیم حقوق عمومی و اداری و شناسایی آن از این طریق موجب تحولی مطلوب در توسعه حقوق اداری گریده است (۱۴).

از طرفی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز از طریق صدور آرای وحدت رویه و ایجاد رویه علاوه بر جلوگیری از بروز رویه‌های قضایی متضاد و ناهماهنگ و ایجاد رویه هماهنگ میان شعب و سایر مراجع اداری، با تکمیل قوانین، به شناسایی و تحکیم اصول مهم حقوقی، تحرک بخشیدن به قانون و تطبیق آن با نیازها و مصالح اجتماعی، از خلال برخی از آرا به تحکیم و شناسایی برخی اصول نوین و بنیادین حقوق پزشکی مبادرت ورزیده است. علاوه بر این هیأت عمومی می‌تواند از

طریق صدور آرای ابطالی در مقام ابطال مقررات خلاف قانون و مقررات خلاف شرع و یا ابقای آنان در حوزه حقوق پزشکی به صورت غیر مستقیم مؤثر بر سیاستگذاری‌های کلان کشور باشد. رفع ابهام و نقص از قوانین و مقررات پزشکی و در نهایت راهنمایی قانونگذار در تصویب قوانین جدید پزشکی و تصحیح قوانین سابق می‌تواند نقش مهمی در توسعه حقوق پزشکی ایفا نماید. به عنوان مثال هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با صدور رأی شماره ۳۶۵ در مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۸ استفاده از دستگاه لیزر در مطب پزشکان عمومی ضمن ابطال ماده ۳۲ دستورالعمل ضوابط بهداشتی و تسهیلات لازم مصوب سال ۱۳۸۴ امور درمان وزارت بهداشت و درمان را ممنوع اعلام کرد.

در اینجا ذکر این نکته لازم به توضیح است که مقنن، مرجع فرجام‌خواهی از آرای قطعی هیأت‌های انتظامی پزشکی را وفق ماده ۱۰۵ آیین دادرسی در دادگاه‌های تجدید نظر استان مربوطه اعلام داشته است. هرچند قانونگذار مرجع رسیدگی فرجامی را نسبت به آرای قطعی هیأت‌های انتظامی، دادگاه تجدید نظر استان قرار داده است و در پاسخ به این شبهه، هیأت عمومی دیوان عدالت اداری طی رأی شماره ۷۶ - ۱۳۶۵/۰۹/۱۰ اعلام داشته: «نظر به اینکه مراجع انتظامی مقرر در قانون نظامی پزشکی خارج از مصادیق بند ۲ ماده ۱۱ دیوان عدالت اداری می‌باشند، نتیجتاً رأی شعبه پانزدهم مبنی بر عدم صلاحیت منطبق با قانون صادر و تأیید می‌گردد» (۱۵)، لیکن در راستای اصل حقوق اداری مبنی بر نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر مراجع اداری و انتظامی و فلسفه دادرسی اداری، به نظر می‌رسد مرجع فرجام‌خواهی از آرای قطعی هیأت‌های انتظامی پزشکی دیوان عدالت اداری باشد. بنابراین در حال حاضر دادگاه تجدید نظر دادگستری هر استان می‌تواند با نظارت فرجامی بر آرای قطعی هیأت‌های انتظامی پزشکی و صدور آرای رویه‌ساز در توسعه حقوق پزشکی نقش‌آفرینی نمایند.

۴. نقش رویه قضایی محاکم اداری در توسعه حقوق پزشکی: هنگامی که از رویه قضایی در حقوق پزشکی سخن

به میان می‌آید اغلب رویه قضایی محاکم مدنی و کیفری در خصوص دعاوی پزشکی به ذهن متبادر می‌شود، اما هرگز نباید از تأثیر رویه قضایی محاکم اداری در حوزه حقوق پزشکی غافل شد. «تأثیر رویه دادگاه‌های اداری در فرانسه تا جایی است که شارحان انگلیسی به ویژه از این جهت متعجب‌اند که در یک کشور متعلق به نظام حقوق نوشته، حقوق اداری آن یک حقوق «قاضی‌ساز» (و رویه‌ای) است که بر اساس اصولی انعطاف‌پذیر ساخته شده و به نحو مداوم با شرایط و اوضاع احوال خود را وفق داده است (۱۶).

دادگاه‌های اداری می‌توانند از طریق رویه قضایی نقش به سزایی را در اعتلای و پرورش حقوق پزشکی ایفا نمایند که از جمله آن‌ها می‌توان به هیأت‌های انتظامی پزشکی سازمان نظام پزشکی، سازمان تعزیرات حکومتی، کمیسیون‌های پزشکی قانونی و سازمان نظام پرستاری اشاره نمود که به جهت جلوگیری از اطاله کلام صرفاً نقش هیأت‌های انتظامی پزشکی سازمان نظام پزشکی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۴-۱. هیأت‌های انتظامی پزشکی سازمان نظام پزشکی: هیأت‌های انتظامی پزشکی طبق قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی دارای کارکرد مشورتی و شبه‌قضایی و صدور رای وحدت رویه در مقام هماهنگی هیأت‌های انتظامی برخوردار می‌باشد. کارکرد شبه قضایی و مشورتی آن‌ها در هر سه سطح بدوی، تجدید نظر و عالی متصور بوده که این کارکرد در نتیجه صدور رأی مبنی بر محکومیت و یا برائت متهم در پرونده‌های نظام پزشکی حاصل می‌گردد که این دو کارکرد ناخودآگاه تولید رویه‌ها را در ارتباط با رسیدگی به قصورات پزشکی به همراه خواهد داشت. نکته حائز اهمیت اینکه از میان هیأت‌های انتظامی گفته‌شده، هیأت عالی انتظامی از برجستگی ویژه‌ای نسبت به هیأت بدوی و تجدید نظر برخوردار می‌باشد، زیرا هیأت عالی نظام پزشکی به عنوان مهم‌ترین رکن سازمان نظام پزشکی به شمار می‌رود. وفق بند «ه» ماده ۹۵ آیین‌نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات حرف پزشکی، «ایجاد هماهنگی و وحدت رویه در امور هیأت‌های

انتظامی» به عنوان یکی از صلاحیت‌ها و کارکرد هیأت عالی انتظامی برشمرده است. به توجه به اینکه استنباط متفاوت از قوانین در میان شعب بدوی و تجدید نظر انتظامی پزشکی متصور می‌باشد و ممکن است آرای متعارض از این شعب صادر گردد، لذا ایجاد هماهنگی و وحدت رویه توسط هیأت عالی انتظامی پزشکی می‌تواند از این مشکل جلوگیری نمر توسعه حقوق پزشکی کارگر افتد.

۵. چالش‌های فراروی رویه قضایی محاکم قضایی در

توسعه حقوق پزشکی: محاکم منشأ صدور آرای بسیاری در موضوعات مختلف حقوق پزشکی بوده است، به طوری که قضات محاکم تالی همواره به رویه‌های قضایی شعب عالی نیم‌نگاهی داشته و از آن‌ها الهام می‌گیرند. با این حال، رویه قضایی در حقوق پزشکی ایران به جایگاه مورد انتظار دست نیازیده است و این موضوع معلول عوامل متعددی می‌باشد که در ادامه مهم‌ترین عوامل در عدم دستیابی به جایگاه مورد انتظار مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۵-۱. کثرت پرونده‌های مطروحه و اطاله دادرسی در

محاکم قضایی: حجم دعاوی مطروحه در مراجع قضایی همواره به عنوان یکی از معضلات نظام قضایی مطرح بوده است که به طور مستقیم بر کارآمدی و کاهش اطاله دادرسی و نیز اتقان آرای صادره و نتیجتاً بر توسعه حقوق پزشکی تأثیرگذار است.

در ایران نیز کاهش دعاوی و افزایش سرعت دادرسی همواره مورد توجه سیاست‌گذاران و قانونگذاران بوده است. به یقین، تحقق اصل ۱۶۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منوط به کاهش دعاوی و ایجاد شرایط مناسب برای رسیدگی قضات است. از طرفی پیچیدگی سیستم‌های حقوقی و یا تکنیکی بودن برخی دعاوی، عدم سازماندهی صحیح و مناسب دادگستری، لزوم دخالت مراجع قضایی یا اداری متعدد در جریان رسیدگی و عدم وجود نیروی تخصصی مناسب (از نظر کمی و کیفی) را می‌توان از عواملی برشمرد که سبب کندشدن جریان دادرسی می‌باشد (۱۷). حجم دعاوی مطروحه همواره به عنوان یکی از معضلات نظام قضایی مطرح بوده که حل این مشکل به طور

مستقیم بر کارآمدی و کاهش اطاله دادرسی و نیز اتقان آرای صادره و نتیجتاً بر توسعه حقوق اداری تأثیرگذار است (۱۸).

بنابراین افزایش ورود پرونده‌ها و محدودیت در محاکم و آمارگرایی و فشار بر قاضی، سلب قدرت تفکر و استدلال منطقی نهایتاً موجب خروج آرای کم‌کیفیت از محاکم گردیده که همین امر ناخودآگاه بر رویه قضایی نیز تأثیرگذار است و توسعه حقوق پزشکی را با مشکل مواجه می‌سازد، لذا تلاش برای کاهش طرح دعاوی در محاکم و نیز کاهش زمان رسیدگی ضروری است.

۵-۲. عدم آشنایی قضات محاکم با مفاهیم حقوق پزشکی

و فقدان دادگاه‌های تخصصی ویژه دعاوی پزشکی:

امروزه محاکم قضایی در رسیدگی به دعاوی پزشکی از کمبود کادر قضایی متخصص حقوق پزشکی و دادگاه‌های تخصصی ویژه حقوق پزشکی رنج می‌برد. دادرسی پزشکی اقتضا دارد که قضات محاکم با مفاهیم حقوق پزشکی و اصول حقوق پزشکی تسلط علمی داشته باشند و دادگاه‌های تخصصی با موضوعات مرتبط با حقوق پزشکی فعالیت داشته باشند. به اعتقاد نگارنده بزرگ‌ترین مشکل محاکم قضایی در ایفای مسئولیت سنگینی که بر عهده دارد، کمبود کادر قضایی حقوقی متخصص و مجرب و واجد صلاحیت در زمینه حقوق پزشکی و نیز فقدان دادگاه‌های تخصصی در رسیدگی به جرائم و اختلافات پزشکی می‌باشد و طرز تفکر اکثر قضات و استدلال حقوقی و قضایی آنان حکایت از آموخته‌ها و محفوظات مربوط به مفاهیم و مقولات سنتی حقوقی و فقهی دارد و تأثیرپذیری از اندیشه‌ها و آموزه‌های جدید حقوق پزشکی تا حدود زیادی اندک و ناچیز است.

بنابراین جذب قضات با تخصص حقوق پزشکی و آشنا با اصول حقوق پزشکی و نیز تشکیل دادگاه‌های تخصصی با موضوعات حقوق پزشکی می‌تواند نقش مهمی در جهت ارتقای کیفی رویه قضایی دیوان و ترویج و تحکیم اصول حقوق پزشکی ایفا نماید.

۵-۳. عدم ارتباط دکترین حقوق پزشکی با قضات

محاکم: توسعه هر یک از رشته‌های حقوقی در مقیاس وسیعی

حاصل کار استادان دانشکده حقوق است که به وسیله آموزش شفاهی یا تألیفات خود تأثیر قاطعی بر آن داشته‌اند (۱۹). با توجه به اینکه وجود ابهام در حوزه حقوق پزشکی نیز مانند سایر حوزه‌های حقوق امر متصور می‌باشد، لذا تعامل منطقی میان دکترین و صاحب‌نظران حقوق پزشکی با قضات رسیدگی‌کننده به دعاوی پزشکی می‌تواند نقش مؤثری در ارائه تفاسیر روشن و رفع ابهام از مفاهیم حقوق پزشکی ایفا نماید. بنابراین برای تجلی اندیشه‌ها و اصول مترقی حقوق پزشکی در آرای محاکم من جمله دیوان نیازمند تعامل و هم‌فکری دکترین و پژوهشگران دانشگاهی خصوصاً صاحب‌نظران حقوق پزشکی با محاکم قضایی می‌باشد. به عبارتی بهره‌گیری از مفاهیم و اصول حقوق پزشکی بدون تردید در گرو ارتباط دانشگاه با نظام قضایی است.

گردآوری آرای دادگاه‌ها به همراه نقد و تحلیل آرا، از سوی علمای حقوق، مجموعه‌های نوین و ارزشمندی از رویه قضایی را پدید می‌آورد که تأثیر مطلوبی بر عملکرد قضات و حقوقدانان خواهد داشت، چراکه از یکسو، نظریه‌پردازان و عالمان حقوق در پرتو آرای صادره با واقعیت‌های عملی آشنا شده و همین امر موجب می‌شود که به تأکید یا تغییر رویه قضایی خود اقدام کنند (۶).

۴-۵. عدم توجه به رشته حقوق پزشکی در فضای دانشگاهی: یکی از ضرورت‌های آموزش عالی در دنیای پیچیده امروز، نیاز به دیدگاه‌های جامع برای حل مسائل جامعه است. بسط مطالعات بین رشته‌ای [من جمله حقوق پزشکی] علاوه بر اینکه موجب انسجام محیط دانشگاهی، پویایی نظام آموزشی دانشگاه‌ها و در نتیجه، رشد و اصلاح فرهنگ می‌شود، امکان از بین بردن فاصله و فضای خالی بین علوم و رفع نیازهای جامعه را نیز به دنبال دارد (۲۰). امروزه فضای حاکم بر دانشگاه‌های حقوق کشور اغلب متمرکز بر توسعه رشته‌های حقوق خصوصی و جزا می‌باشد و کمتر مطالعات بین رشته‌ای من جمله حقوق پزشکی مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین توجه برنامه‌ریزان درسی دانشگاهی و توسعه تحصیلات تکمیلی حقوق پزشکی برای دانشگاه‌هایی که

در پی دستیابی به مرزهای جدید و خلق بایسته‌های خاص در عرصه حقوقی هستند، ضروری می‌باشد.

۶. راهکارهای توسعه و تقویت رویه قضایی: این قسمت دربرگیرنده مهم‌ترین سازوکارهایی است که بیان آن‌ها می‌تواند در تقویت رویه قضایی محاکم قضایی در توسعه حقوق پزشکی مؤثر واقع شود.

۱-۶. استخراج و انتشار آرای قضایی: ضرورت استخراج و انتشار رویه قضایی بدین جهت است که کلی‌بودن قانون باعث ارائه تفاسیر متفاوت از سوی محاکم می‌گردد، به طوری که مضمون و نحوه اجرای قواعد حقوقی در رویه محاکم استخراج و با تفسیر قوانین به واسطه حل و فصل دعاوی بخش اعظمی از حقوق هر کشور را پایه‌ریزی می‌نمایند. از طرفی انتشار مرتب و سازمان‌یافته آرای دادگاه مناسب‌ترین راه مقابله با تعارضات در تفسیر قواعد حقوقی و اجرای مقررات در نظام حقوقی و جهت دادن نظام به سمت ایجاد وحدت رویه قضایی و جلوگیری از تعارضات حقوقی است.

از دیگر مزایای انتشار آرای قضایی موجب هماهنگی بیشتر بین آرای محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی در خصوص موضوعات مربوط به حقوق پزشکی می‌گردد، به طوری که به جرأت می‌توان گفت که شاید دیگر نیازی به صدور آرای وحدت رویه در هیأت عمومی دیوان عالی کشور در خصوص موضوعات پزشکی نباشد.

«تجربه کشور فرانسه در این باره بسیار عبرت‌آموز است، عملاً در این کشور وظیفه عمده ایجاد وحدت رویه قضایی بر عهده آرای شعب کشور است و نه آرای وحدت رویه دیوان. توضیح آنکه انتشار مرتب آرای شعب دیوان در موضوعات مختلف حقوقی سبب شده است تا دادگاه‌های تالی با اطلاع از رویه شعب دیوان (که در موضوعات مختلف تقسیم‌بندی تخصصی شده‌اند) و در کمتر موردی آرای متعارض صادر شود و عملاً نیاز بسیار اندکی به تشکیل هیأت عمومی و صدور آرای وحدت رویه باشد. عملاً در طی سال کمتر از تعداد پنج رأی از آرای وحدت رویه صادر می‌گردد» (۲۱). «در فرانسه انتشار و استناد به تصمیمات دیگر دادگاه‌ها تا حد زیادی به نوعی عرف

رایج میان قضات و حقوقدانان تبدیل شده است» (۲۲). همچنین انتشار آرای امکان نقد و تحلیل رویه قضایی را برای جامعه حقوقی و پژوهشگران حقوق پزشکی فراهم می‌آورد، به طوری که تجربه نظام‌های حقوقی پیشرفته جهان که بخش عمده مطالبات و مباحث حقوقی آنان در مراکز علمی و دانشگاه‌ها متمرکز گردیده است.

۶-۲. تخصصی شدن شعب محاکم ویژه حقوق پزشکی:

پیچیدگی و فنی بودن دعاوی پزشکی مستلزم این است که شعب محاکم به صورت تخصصی توسط قضات آشنا به مقتضیات پزشکی به این نوع از دعاوی رسیدگی نمایند. تخصصی کردن محاکم در نظام قضایی ایران در سال‌های اخیر مورد توجه مسئولین ارشد کشوری قرار گرفته است، به طوری که اداره محاکم بر اساس تخصص و تجربه در سند چشم‌انداز سیاست‌های کلی نظام در بند ۴ سیاست‌های کلی قضایی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری و تصویب شده در پنجم آذرماه ۱۳۸۵ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام گنجانده شده است که این امر نشان‌دهنده اهمیت رسیدگی تخصصی به دعاوی منجمله دعاوی پزشکی می‌باشد. تخصصی شدن شعب محاکم می‌تواند یکی از محورهای شاخص در توسعه قضایی کشور محسوب گردد تا متداعیین از رسیدگی یک قاضی مسلط به مقتضیات پزشکی حصول اطمینان نمایند.

نتیجه‌گیری

امروزه حقوق پزشکی زاییده گسترش علم پزشکی و رشد تکنولوژی و توسعه جوامع انسانی است که به موازات پیشرفت‌های نوین پزشکی و تحولات حقوق پزشکی باعث پدیداری مفاهیم نو و تحول در علم حقوق، بازنگری در قوانین ضرورتی اجتناب‌ناپذیر گردیده و قواعد و مقررات ویژه‌ای را می‌طلبد.

از طرفی حقوق پزشکی، در کشور ما به دلیل گسترده و متنوع بودن مشاغل و اعمال پزشکی و خصوصاً اینکه فاقد سابقه تقنینی نوین است و قانون به تنهایی قادر به مطابقت سریع خود با تحولات جامعه نبوده و نظام حقوق پزشکی در فضای

امروزی با توجه به عدم تدوین قوانین و مقررات جامع و کامل، نیازمند مداخله عوامل دیگری برای ایجاد این هماهنگی می‌باشد. از میان منابع حقوقی، رویه قضایی به جهت ارتباط مستقیم آن با واقعیت‌های جامعه و سهولت ارتباطش با تحولات اجتماعی می‌تواند این نقش را به خوبی ایفا نماید، به طوری که رویه قضایی می‌تواند به عنوان منبعی قاعده‌ساز و به عنوان راهنمای مقنن می‌تواند در تصویب قوانین و مقررات مترقی پزشکی در تکمیل قوانین و ایجاد قواعد حقوق پزشکی نقش مهمی را ایفا نماید. رجوع به تصمیمات و آرای محاکم یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین راه‌های تصویب قانون مترقی و یا تصحیح قانون و مقررات مصوب محسوب می‌شود، مضافاً اینکه رویه قضایی می‌تواند علاوه بر تکمیل قانون به تحکیم برخی از اصول حقوق پزشکی و اثرگذاری بر تصویب قوانین و مقررات پزشکی کمک شایانی نماید که در نهایت با امان نظر به موارد فوق تقویت رویه قضایی در کنار سایر منابع حقوق پزشکی می‌تواند در تحول و توسعه حقوق پزشکی نقش‌آفرینی نماید.

استفاده از رویه قضایی به مثابه منبع حقوق مستلزم انتشار منظم و طبقه‌بندی شده آرا است. قضات، وکلا و اصحاب دعاو باید در جریان جزئیات آرای طبقه‌بندی شده دادگاه‌ها قرار گیرند و دسترسی به این آرا به سادگی و سهولت امکان‌پذیر باشد.

اگرچه امروزه سلسله‌مراتب هنجارهای حقوقی دچار دگرگونی بنیادین شده و رابطه عمودی میان قواعد حقوقی به ارتباط شبکه‌ای میان آن‌ها بدل گردیده و رویه قضایی نیز جایگاه ویژه‌ای در میان قواعد حقوقی یافته است، اما نظام حقوقی کشورمان به طور کامل و شفاف زمینه قانونی لازم جهت استناد به رویه قضایی را برای قاضی ایرانی فراهم نکرده است و به نظر می‌رسد اصلاح قوانین موجود جهت تعیین دقیق رویه قضایی در نظم حقوقی، در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد.

در مجموع هدف نهایی این پژوهش نشان دادن اهمیت جایگاه رویه قضایی به مثابه یک منبع مستقل حقوق خصوصاً در نظام حقوق پزشکی و ضرورت جدی گرفتن آن در نظام حقوقی

ایران است. حقوق پزشکی پیچیده‌تر از آن است که صرفاً با اتکا به یک منبع حقوقی قابل تمثیت باشد. تجربه جهانی از خلال مطالعات تطبیقی نیز مؤید همین امر است. با این حال باید تأکید کرد که استفاده از رویه قضایی به عنوان منبع قاعده‌ساز در حقوق پزشکی نیازمند آموزش دانشجویان، قضات، وکلا و کلیه حرف حقوقی است.

مشارکت نویسندگان

صادق تاروی وردی: نگارش و تألیف مقاله.
محمود عباسی: مشاوره و نظارت بر تدوین مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

References

1. Mohammad E. Validity and importance of judicial procedure. 1st ed. Shiraz: Navid Shiraz Publications; 2000. [Persian]
2. Jafari Tabar H. The demon in the glass in the philosophy of judicial procedure. 1st ed. Tehran: Hagh Gozaran Publications; 2016. [Persian]
3. Giacomo A, Ponzetto M, Patricio A. Fernandez. Case law versus statute law. *Journal of Legal Studies*. 2008; 73(2): 379-430.
4. Parisi F. Source of law and the institutional design of law making. *Journal of Public Finance and Public Choice*. 2001; 19(2-3): 95-122.
5. Waldron J. Legislation and the rule of law. *Legisprudence*. 2007; 1(1): 91-123.
6. Fatemi S, Jalali M. The position and role of the judicial procedure of the Court of Administrative Justice in administrative law. 1st ed. Tehran: Jangal Publications; 2014. [Persian]
7. Tariverdi S, Sadeghi MH. Investigation and analysis of the concept 2022of development in Iran's medical law system. *JMCIRI*. 2022; 40(3): 221-227. [Persian]
8. Tariverdi S, Sadeghi MH, Abbasi M. The need to monitor the rules and regulations of organ donation in the Iranian legal system. *MLJ*. 2021; 15(56): 611-624. [Persian]
9. Petoft A, Markazi Malmiri A. The concept and scope of the general principles of administrative law; The possibility and how to cite it in judicial proceedings. Tehran: Jangal Publications; 2015. [Persian]
10. Karimi A, Javaherkalam MH. Proof of Fault in Medical Accidents in French Law. *MLJ*. 2022; 16(57): e18. [Persian]
11. mohamadi SL, karamzadeh P. Civil and criminal liability of the physician towards the patient in Iranian and French law. *International Legal Research*. 2020; 13(49): 369-385. [Persian]
12. Khajehzadeh A. Rethinking the Concept of Damages in Cases of Medical Malpractice in the Light of Judicial Procedure UK Courts. *MLJ*. 2020; 14(Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights): 365-373. [Persian]
13. Mohseni H. Validity of the decision of the General Board of the Court of Administrative Justice in judicial authorities and the General Board of the Supreme Court. *The Journal of Modern Essays on Administrative Law*. 2021; 1(1): 299-336. [Persian]
14. Tariverdi S. The role of judicial procedure in the development of administrative law in Iran. 1st ed. Tehran: Hoghoghyar Publications; 2019. [Persian]
15. Badrian F. Collection of Unanimity Decisions of the Court of Administrative Justice (1982-2002). 1st ed. Tehran: Rojin Publications; 2001. [Persian]
16. Brown LN, Bell J, Galabert JM. French administrative law Clarendon. Oxford: Oxford University Press, 1998. p.2, 294-295.
17. Yavari A. The right to a fair trial and new procedure. *Constitutional Rights Quarterly*. 2013; 1(2): 253-290. [Persian]
18. Fallahzadeh AM, Tariverdi S. The Role of Judicial Procedure Courts in the Development of Iranian Administrative Law. *The Quarterly Journal of Judicial Law Views*. 2019; 24(88): 41-58. [Persian]
19. Dumichele A, Lalumi YP. Public Law. Translated by Ghazi SA. Tehran: Dadgstar Publications; 1996. [Persian]
20. Khanjarkhani Z, Nasrabadi B, Ebrahimi Dinani A. Types of Interdisciplinary Studies in Higher Education. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*. 2010; 2(1): 167-186. [Persian]
21. Babaei I. Extracting and disseminating the judicial procedure of the country's courts: Introducing the dimensions and perspective of the bulletin of opinions and judicial procedure in the Judiciary Research Institute. *Rai Quarterly*. 2012; 2(2): 9-28. [Persian]
22. Hadfield G K. The quality of law in Civil Code and Common law regimes: Judicial incentives, legal human capital and evolution of law, USC Center in Law, Economics and Organization Research Paper; 2006.